

«شرق» از ادامه بررسی جزئیات برنامه هفتم توسعه در مجلس گزارش می‌دهد

مجوز ۱۰۰ میلیارد دلاری بهارستان به صندوق توسعه ملی

معصومه معظمی: مجلس یازدهمی‌ها در ادامه بررسی جزئیات گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه، روز گذشته به دولت اجازه دادند به منظور تسویه بدهی‌های خود و شرکت ملی نفت به صندوق توسعه ملی، در زمینه اکتشاف، توسعه، استخراج، تولید، فروش و صادرات نفت و گاز با اولویت میادین جدید یا مشترک اقدام کنند...

صفحه ۲

سرمقاله

وضعیت بی حقوقی



کامبیز نوروزی حقوق دان

وقتی روابط اجتماعی و عملکرد سازمان‌های رسمی از مسیر حقوقی خود منحرف می‌شود، نقش و موقعیت و کارکرد دستگاه‌ها نیز از مدار خارج می‌شود.

قانون، اصول و قواعد حقوقی و عرف و رویه حدود اختیارات و وظایف هر دستگاه و سازمانی را تعریف و تعیین می‌کند و هریک از آنها مطلقا ملزم به رعایت همان حدود هستند. وقتی این حدود مراعات نشیوند و تصمیمات خارج از حدود قانون منشا اثر بشوند و براساس زور به اجرا درآیند، نظم حقوقی دچار اختلال می‌شود و هر اندازه این قبیل موارد بیشتر باشد، اختلال در نظم حقوقی عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌شود.

به‌تازگی در شبکه‌های اجتماعی نامه‌ای به امضای رئیس دانشگاه تهران خطاب به وزیر علوم و تحقیقات منتشر شده که تاکنون هم تکذیب نشده است. در این نامه که در پاسخ بر رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس تنظیم شده، آمده است «به منظور صیانت از فرهنگ اصیل اسلامی – ایرانی و جلوگیری از اشاعه فرهنگ غیرخودی در طول یک‌سال‌و نیم گذشته همه کافه‌های اطراف دانشگاه تعطیل و جمع‌آوری شده‌اند». در ادامه نامه درباره برخی کافه‌ها که هنوز فعال‌اند، از این تعبیر استفاده شده است که «فعالیت آنها با مأموریت دانشگاه هیچ‌گونه تناسبی ندارد».

حدود اختیارات و وظایف سازمان اداری هر دانشگاه محدود به محیط دانشگاه است. آنچه در کاربری‌های پیرامون فضای دانشگاه تهران، اعم از شبکه معابر یا مغازه‌های مختلف یا دفاتر کاری یا خانه‌ها و هر فضای دیگری می‌گذرد، هیچ‌گونه ارتباطی با دانشگاه ندارد و مسئولان دانشگاه نمی‌توانند نسبت به آن تعرضی داشته باشند. مداخله دانشگاه تهران در فعالیت کافه‌های واقع در خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران، چیزی نیست که ارتباطی با دانشگاه پیدا کند؛ خواه محل کافه‌ها متعلق به گرداننده آنها باشد یا تعلق به دانشگاه یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر داشته باشند. به فرض آنکه در محیط کافه‌ها نیز تخلف قانونی صورت گیرد، سازمان‌های دیگری مانند اداره اماکن یا اتحادیه صنفی هستند که باید با این تخلف مواجه شوند، نه دانشگاه.

در هیچ‌یک از مقررات مربوط به دانشگاه تهران اجازه‌ای داده نشده است که مسئولان دانشگاه در کمیت و کیفیت اماکن پیرامونی دانشگاه اقدامی کنند.

در عرف و رویه دانشگاهی و مدیریت دانشگاهی، دانشگاه محلی است برای تعلیم و تعلم علم و دانش و پژوهش و باید تمام امور خود را متمرکز بر چنین کارکردی سامان دهد. عملکرد محیط‌های بیرون از فضای دانشگاهی چیزی نیست که ارتباطی با آموزش‌های دانشگاهی داشته باشد.

تأکید این نامه بر تعبیر «صیانت از فرهنگ اصیل اسلامی – ایرانی و جلوگیری از اشاعه فرهنگ غیرخودی» برای توجیه تعطیلی و جمع‌آوری کافه‌ها نیز نشان‌دهنده تفکر خارج حدود حقوقی این نامه است. این کافه‌ها چه توافری با فرهنگ ایرانی – اسلامی دارند؟ این ادعاهای غیرمستند و غیرمستدل بیشتر به توجیه شبیه‌اند تا توضیح. علاوه‌براین بر فرض که این‌گونه باشد، فعالیت یا تعطیلی این کافه‌ها هیچ ارتباطی با دانشگاه ندارد.

این نامه نه به قوانین و اصول و قواعد حقوقی متکی است و نه به عرف و رویه دانشگاهی، نه به عرف عام و از حدود همه این معیارها خارج شده و فقط متکی به قدرت است.

در اینجا بحث از حقوق شخصی صاحبان کافه‌ها مطرح نیست. مسئله آن است که این قبیل اقدامات نمونه‌ای است از پیشرفت «وضعیت بی‌حقوقی» که وضعیتی وخیم‌تر از «بی‌قانونی» است. در وضعیت بی‌قانونی یا حاکمیت‌نداشتن قانون مسئله در نقض قانونی خلاصه می‌شود؛ اما قانون فقط یکی از منابع حقوقی است. عرف، رویه قضائی و نظرات حقوق‌دانان از دیگر منابع حقوق‌اند. در وضعیت بی‌حقوقی فقط قانون نیست که رعایت نمی‌شود؛ بلکه سایر منابع حقوقی نیز نزد صاحبان قدرت بی‌اعتبار شده و مرتبا نقض می‌شوند. وضعیت بی‌حقوقی، مرحله وخیم‌تر وضعیت بی‌قانونی است و به سهولت می‌تواند کستره نظم اجتماعی را قربانی خود کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه‌شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه‌شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR



چهارشنبه ۵ مهر ۱۴۰۲ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۵۷ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

حسن روحانی:

سکوت و انفعال راه‌حل نیست

حسن روحانی با تأکید بر اینکه سکوت و انفعال راه‌حل نیست، اظهار کرد: اگر دلسوز ایران و انقلاب هستیم، باید به جای تماشاگری، کنشگری کنیم. اگر در مسیر انقلاب شاهد اشتباهاتی بودیم باید نقد و اصلاح کنیم و اصلاح فقط از مسیر کنشگری فعال و بازگشت به صندوق رای امکان‌پذیر خواهد بود.

صفحه ۲



در «شرق» امروز می‌خوانید: سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد:تشکیل پرونده برای فرزندان یک مقام ارشد قضائی، نهادهای آماری از کاهش تورم شهریور و رشد اقتصادی خیره‌کننده در بهار امسال حکایت دارند **و یادداشت‌هایی از** فرشید سامانیور، محمود اشرفی

درخشش «شرق» در امین‌الضرب

►۱۲

مذاکره با آمریکا از شایعه تا واقعیت؟

►۲

حقیقت مرا هرگز نخواهید شناخت

یادداشتی از محمدرضا تاجیک به بهانه معرفی کتاب «میلان کوندرا؛ اولیس مدرن» تألیف عارف دانیالی

►۱۱

راهیابی میکامال به بخش نهایی «جایزه سالانه انجمن مراکز خرید خاورمیانه و شمال آفریقا»

►۴

یادداشت

باز هم گفتی ندو



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

دویدن کی و کجا مجاز است؟ دویدن در عرصه خصوصی و در حوزه عمومی اگر نگویم ناممکن؛ اما سخت شده است. در خانه‌های مدرن امروزی نمی‌توان دوید. نمی‌توان با شور و شعف بالا و پایین پرید. انضباط شش‌دیدی برای دویدن وضع شده است. انضباط فقط با سازوکارهای سخت و تنبیهی نیست. گاهی دویدن نشانه بی‌فرهنگی است و عملی ضداجتماعی و کاری غیرمدنی تلقی می‌شود. در خیابان و پیاده‌رو هم نمی‌توان دوید که نه به لحاظ زیرساختی این کار ممکن است و نه از نظر اجتماعی. آیا فضا و موقعیت مانده است که بتوان با شور و اشتیاق بالا و پایین پرید و بی‌هیج نگرانی و قید و بندی دوید؟ آریا انگیزه و محرکی برای دویدن باقی مانده است؟ نه در مدرسه و نه در کوچه و بازار و نه در خیلی‌جا‌های دیگر نه انگیزه‌ای برای دویدن هست و نه شرایط آن.

زمانی که انگیزه، فضا و موقعیتی برای دویدن پیش بیاید، شور کودکی، نوجوانی و جوانی بیدار و دویدن آغاز می‌شود. دویدن با انگیزه و با شور جمعی و برای چیزی که تجربه نشده است، در چنین تجربه‌ای نه خستگی می‌شناسی و نه توجهی به نگاه شصمات‌بار دیگران. گاهی دویدن برای فرار از چیزهای کهنه و عادت‌شده و ملال‌آور است؛ دویدنی که شاید زمان زیادی بگذرد تا مجدداً امکان تجربه آن ایجاد شود. می‌دوم تا نشان دهم هستم. دویدن تجلی و ظهور من است. می‌دوم تا فراموش نشوم تا به خودم و دیگران نشان دهم که هنوز شوری در سر دارم. می‌دوم تا پشت سر بگذارم چیزهای ملال‌آور و از پیش تعیین‌شده و بدهی انگاشته‌شده را. می‌دوم تا بگریزم از چیزهای ملال‌آور حتی به طور موقت. می‌دوم از چیزهایی که برای من بدون نظر و حضور من تعیین شده است.

می‌دوم به جبران همه زمان‌هایی که نگذاشتید بدم. همه مواقعی که دویدن‌را رلامت کردید، متوقفم کردید و هنجار نشستن را مدام یادآوری کردید؛ اما هنوز هم شما عقل کل‌ها به صف شده‌اید که دویدن اکنون‌را هم ناهنجار و غیرعقلانی تلقی کنید و برای این کار از هم سبقت می‌گیرید. گروهی مستقیم دویدن من را نشانه بی‌خردی تلقی کردند و گروهی دیگر نهادها و سازمان‌ها و باشگاه ورزشی را نقد کردند که چرا برنامه‌ریزی نکردند که من دندم. پس کدام دویدن بهنجار است؟ با خودتان فکر کرده‌اید که کی و کجا بدم؟ اگر گذاشته بودید قبلاً بدم، حالا این‌قدر شور و شوق دویدن نداشت. اگر گذاشته بودید دویدن را بیشتر تجربه کنم، چنین دویدن و از تپه بالارفتن من را به تمسخر نمی‌گرفتید. اگر من در درک می‌کردید و شرایط شور و اشتیاق نوجوانی و جوانی من را کمی فراهم می‌کردید، چنین به دنبال کسی که دیدنش برای من بار دیگر ناممکن است، بی‌محابا نمی‌دویدم. حال که شرایط و انگیزه نه در عرصه خصوصی و نه در عرصه عمومی برای دویدن فراهم نیست، اگر دیدی جایی و با انگیزه‌ای دویدم، لطفاً دهانت را ببند و زبان در کام گیر. می‌دوم از ملال، می‌دوم از هر چیزی که تو برایم بدون توجه به خواست من تعیین کرده‌ای و خواستی بنشینم و فقط به آن عمل کنم. هر وقت دویدم، گفتی خل‌وچل شده‌ای و بی‌ش‌فعال هستی. هر وقت نشستم، خوب و بهنجار شدم. بله، برای تو دویدن همیشه غیرعقلانی و نشستن عقلانی است، چه در مدرسه و چه در خانه. نمی‌دانم چرا دویدن را دوست نداری؟ شاید اگر بدوی احساس خفگی و نفس‌تنگی می‌کنی؛ اما من برعکس اگر ندوم چنین احساسی دارم. خودت قضاوت کن این دویدن من شایسته سرزنش‌کردن است یا شرایطی که برخی مدام در حال سگ‌دو زدن هستند. از تو می‌خواهم با تحلیل و تفسیر به‌ظاهر عقلانی‌ای کسی را از تک و دو نیندازی.

«شرق» با نگاه به ملاقات نجوان، پیشنهاد اردوغان برای عبور کریدور زنگرور از مرز ایران را بررسی می‌کند

دالان پرماجرا



● عکس: AFP

دیدار مشترک در نخجوان اولین گروه از ساکنان ارمنه منطقه قره‌باغ پس از ۱۰ ماه محاصره و به خاطر حمله نظامی اخیر جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری کنترل کامل منطقه، وارد خاک ارمنستان شدند. دولت ارمنستان اعلام کرده که حدود پنج هزار نفر از ساکنان منطقه قره‌باغ تا صبح روز دوشنبه وارد این کشور شدند. علی‌اف که اکنون باد پیروزی به پرچمش دمیده، در دیدار روز دوشنبه با اردوغان از احیای حاکمیت کامل باکو بر قره‌باغ گفت و با اشاره به موضوع حمایت متقابل باکو – آنکارا از یکدیگر عنوان کرد که به دنبال هدایت مسائل منطقه در مسیر درست هستیم. به زعم رئیس‌جمهور آذربایجان، «باکو خواهان صلح و ثبات در منطقه و نبود جنگ است». البته علی‌اف سرآغی هم از حجم تجارت دوجانبه آذربایجان و ترکیه گرفت و این حجم (تجارت مشترک دو کشور) را بیش از شش میلیارد دلار تخمین زد که از منظر او، در سال جاری میلادی ۴۰ درصد افزایش یافته است.

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

یادداشت

کار سخت اقتصاددانان!



حسین حقگو کارشناس اقتصادی

«نظم‌کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سیری‌ناپذیر بود، کنار زده شده و در یک کلام، پروژه آمریکایی‌کردن جهان شکست خورده است... و تکلیف دنیا با پروژه و مکتب لیبرال‌دموکراسی مشخص است».

(آقای رئیسی در سازمان ملل- ۶/۲۸).

۱- در اینکه بر لیبرال‌دموکراسی نقدهایی وارد است، شکی نیست؛ نقدهایی که مستدل‌ترین آنها اتفاقاً از سوی متفکران غربی و آمریکایی طرح می‌شود. چنان‌که حتی فوکویاما که با کتاب «پایان تاریخ و آخرین انسان» لیبرال‌دموکراسی را بهترین الگوی ساماندهی یک جامعه می‌دانست، در کتاب‌های «هویت» و «لیبرالیسم و نارضایتی‌های آن» نقدهای مهمی بر این دیدگاه وارد می‌کند و از نابرابری و توزیع نامناسب منابع و قدرت و کم‌مسئولیتی دولت در انجام کارواژه‌های خود و همچنین نقض بعضی از آزادی‌های اساسی و حقوق فردی انتقاد می‌کند. او به دولت آمریکا نیز هشدار می‌دهد که «اگر مشکلات ساختاری اساسی‌اش را بر طرف نکند، نمی‌تواند به طور مؤثر با قدرت‌های اقتدارگرای در حال ظهور جهان رقابت کند» (فوکویاما-لیبرالیسم و نارضایتی‌های آن). بسیاری از اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد نیز با این نقدها همراه‌اند. چنان‌که دکتر غنی‌نژاد، اقتصاددان برجسته و از تئوریسین‌های اقتصاد آزاد در کشورمان، به‌تازگی در یادداشتی نوشت: «سیاست‌های امپریالیستی در تضاد با اصول نظام بازار آزاد یا تجارت آزاد است. تحریم‌های اقتصادی که جامعه مدنی ایران یکی از بزرگ‌ترین قربانیان آن است، آشکارا نقض اصول نخستین آزادی‌خواهی (لیبرالیسم) است که دولت آمریکا ریاکارانه مدعی دفاع از ارزش‌های مبتنی بر آن است» (تحریم، سلطه‌طلبی و افکار عمومی، ۶/۱۹)؛ اما این نقدها و موضع‌گیری‌ها به معنای نفی لیبرالیسم و لیبرال‌دموکراسی نیست که پذیرش حق انتخاب و تنوع و تکتز آرا و عقاید و کاهش مداخلات دولت و آزادی اقتصادی از مبانی آن است؛ چراکه به قول فوکویاما «کاستی‌های لیبرالیسم هرچه باشد، باز هم نسبت به جایگزین‌های غیرلیبرال برتری معنی‌داری دارد» (همان).

۲- در کشورمان اما متأسفانه چند دهه است که افراد و جریان‌های مختلف و صاحبان قدرت با خلط‌کردن این موضوعات با یکدیگر و معناترکدن رفتار دولت‌های غربی به لیبرالیسم و آزادی اقتصادی عملاً کار توسعه و رفاه کشور را با تنگناهای بسیار مواجه کرده‌اند. چنان‌که مؤسسه فریزر در گزارش اخیر خود از شاخص «آزادی اقتصادی»، کشورمان را در رتبه ۱۶۰ در بین ۱۶۵ کشور جهان و در کنار کشورهای لیبی، یمن و سودان ...، جای داده است.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: ۲۸ شهریور/ ۱۹ سپتامبر بود که جمهوری آذربایجان با ادای کشته‌شدن هفت نیروی امنیتی به دلیل انفجار مین کاشته‌شده از سوی ارمنستان در منطقه «خوجاوند» در جمهوری آذربایجان، جنگ نظامی را تحت عنوان «عملیات محدود ضدتروریستی» علیه منطقه قره‌باغ آغاز کرد.

پس از عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در خاندکی (مرکز قره‌باغ)، نیروهای ارمنی حاضر در این منطقه با پذیرش شروط باکو مبنی بر خلع سلاح آنها، با آتش‌بس موافقت کردند. درست یک هفته پس از آغاز درگیری‌ها بود که روز دوشنبه الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان از رجب طیب اردوغان، همتای ترک خود در فرودگاه بین‌المللی نخجوان استقبال کرد. هم‌زمان با این سفر و

یادداشت

اقتصاد، احساس ناامیدی و افول ارزش‌های اخلاقی



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

شرایط اقتصادی از مسیرهای مختلفی بر ارتقا یا افول ارزش‌های اخلاقی اثرگذار است. یکی از این عامل‌ها که به عنوان یک واسطه عمل می‌کند، احساس ناامیدی در جامعه است. حس ناامیدی، حالتی است که به دنبال برآورده‌نشدن انتظارات، امیدها و احساس عدم امکان تحقق آنها در آینده به وجود می‌آید. در این حالت انسان احساس می‌کند هیچ راهکار متعارف و مقبولی برای حل مشکلات وجود ندارد.

در شرایط رونق باثبات اقتصادی وضعیت مردم بهبود یافته و مردم حس می‌کنند که با تلاش می‌توانند سطح زندگی خود را ارتقا دهند. امید به آینده و نشاط در فعالیت آنها دیده می‌شود. اما هرگاه اقتصاد بی‌ثبات شده و آینده روشنی وجود نداشته باشد، شاخص فلاکت روند رو به صعودی را طی کند و مردم امیدهای خودشان را برای بهبود زندگی از دست می‌دهند. گرچه ناامیدی می‌تواند علل مختلفی داشته باشد اما یکی از مهم‌ترین آنها، شرایط اقتصادی است. شرایط بد اقتصادی از طریق فقر و به‌ویژه فقر مزمن، نابرابری ناموجه، ساختار اقتصادی فاسد، انواع نااطمینانی‌ها اعم از شغلی، سرمایه‌گذاری، نوسانات نرخ ارز و انتظارات تورمی موجب ناامیدی می‌شود و هر عاملی گروه خاصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ناامیدی موجب می‌شود تا فرد انگیزه و نشاط خود را از دست بدهد. زندگی برای فرد ارزش‌پیشین را نداشته و در نتیجه تلاش لازم را برای بهبود انجام نمی‌دهد و این امر موجب کاهش بهره‌وری در محیط کار و تحصیل می‌شود.

اما یکی از مهم‌ترین پیامدهای ناامیدی ناشی از شرایط اقتصادی، افول ارزش‌های اخلاقی است که بر حسب عوامل مختلف به گونه‌های متفاوت خود را نشان می‌دهد.

احساس ناامیدی از ساختن یک زندگی عادی در فقیران و جوانان می‌تواند موجب انگیزه‌ای قوی برای رفتارهای غیراخلاقی شده و از این طریق نظام ارزشی افراد رو به زوال می‌رود. زیرا فقیران احساس می‌کنند پایبندی به ارزش‌های اخلاقی برای آنان هزینه داشته و موجب گرسنگی خود و خانواده‌شان یا عدم تأمین نیازهای اساسی آنها خواهد شد. بنابراین به دروغ، دزدی، فحشا، خرید و فروش مواد، مشروبات، فرار از خانه، فروش فرزندان و مانند آن روی می‌آورند. آنان احساس می‌کنند در تعارض بقا و حفظ اصول اخلاقی، باید بقا را مقدم داشت. جوانان ناامید از آینده نیز به مصرف مواد مخدر و مانند آن روی می‌آورند. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ناامیدی، نابرابری ناموجه در جامعه است. هرگاه تبعیض و فساد در جامعه گسترش یابد، نابرابری درآمد و ثروت نه به دلیل استعداد و تلاش، بلکه به دلیل فساد مالی و تبعیض و رانت رخ می‌دهد که امکان این مسیر برای همه فراهم نیست.

ادامه در صفحه ۵